

اربعینیات

ج. ابویاسر

چکیده

آسمان بر حسین بن علی علیه السلام خون گریست؛ بدین صورت که مردم چهل روز دیدند که طلوع و غروب خورشید، سرخ و خون‌رنگ است. در استحباب زیارت اربعین که با ذکر سلام‌ها آغاز می‌شود و با شهادت به مجد و عظمت امام حسین علیه السلام ادامه می‌یابد، روایاتی وارد شده است؛ همین‌طور دربارهٔ ملحق شدن سر سیدالشهدا علیه السلام به پیکر ایشان در این روز، زیارت مرقد امام از سوی جابر در این روز، کیفیت این زیارت و ...

در ایام اربعین در عراق، میلیون‌ها نفر با مواكب حسینی برای زیارت سیدالشهدا علیه السلام وارد کربلا می‌شوند و در بزرگ‌ترین اجتماع شیعیان، این شهر، یکپارچه غرق عزای و نوحه بر سید مظلومان می‌شود.

این نوشتار، ضمن بیان مطالب فوق، دربردارندهٔ مطالبی دربارهٔ کتاب‌های «الاربعون حدیثاً»، «چهل راهب شهید»، سنت اربعین، چهل روز گریهٔ حضرت آدم علیه السلام بر کشتهٔ هابیل، چله‌نشینی و نیز اربعین‌های به هم پیوستهٔ تاریخ انقلاب اسلامی ایران است.

واژگان کلیدی: اربعین، حسین بن علی علیه السلام، زیارت اربعین، کربلا، عزا.

استحباب اربعین

علامه مجلسی می‌نویسد:

در اخبار، علت استحباب زیارت اربعین بیان نشده است؛ اما قول مشهور در بین اصحاب علم این است که علت این استحباب، بازگشت اهل بیت حسین علیهم‌السلام در آن روز (بیستم صفر) به کربلا در زمان برگشتشان از شام، و همچنین ملحق کردن سرهای شهدا به اجساد مطهرشان به دست علی بن الحسین علیه‌السلام است ... شاید هم علت استحباب زیارت در این روز، آن باشد که جابر بن عبدالله انصاری در چنین روزی از مدینه به کربلا آمده و به زیارت قبر شریف آن حضرت نائل شد. از این رو مستحب است به او تأسی کرد.^۱

دیدار در اربعین

به نقل سید بن طاووس:

چون اهل بیت حسین علیهم‌السلام از شام به عراق رسیدند، به راهنمای کاروان گفتند: ما را از کربلا عبور دهید. هنگامی که اهل بیت به قتلگاه رسیدند، جابر بن عبدالله انصاری و جمعی از بنی هاشم و مردان خاندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را ملاقات کردند که برای زیارت قبر حسین علیه‌السلام آمده بودند. همه شروع به گریه و ناله کردند و بر صورت‌هایشان می‌زدند و به گونه‌ای عزاداری و نوحه‌سرایی می‌کردند که جگرها را آتش می‌زد. زنان منطقه عراق نیز نزد اهل بیت آمدند و آنان نیز چند روزی عزاداری کردند.^۲



محتوای زیارت اربعین

زیارت اربعین، حاوی نکات ارزنده‌ای است که با ذکر سلام‌ها آغاز می‌شود و با شهادت به مجد و عظمت امام حسین علیه السلام ادامه می‌یابد. دعوت امام و روشنگری‌های حضرت با بیان و بنان، دلایل امتناع از بیعت با یزید، نصیحت و خیرخواهی او، تلاش حضرت در صحنه‌های عاشورا و تحمل ناملایمات، همت گماردن بر رهایی بندگان از جهالت و... فزاینده‌ای از این زیارت شریف است که از امام صادق علیه السلام نقل شده است. واقعه عاشورا نتیجه جهالت مسلمین آن زمان بود؛ جهالتی که به معنای نادانی نیست؛ زیرا آنان حسین علیه السلام و هدف او را می‌شناختند؛ بلکه جهل آنان از جنس نابخردی و عدم تعقل است.^۳

سیره سید محسن امین علیه السلام

مرحوم سید محسن امین عاملی علیه السلام نقل می‌کند:

در طول ۱۰ سال و نیم که در نجف بودم، زیارت‌های مخصوصه عاشورا و عیدین و عرفه و اربعین از من فوت نشد، مگر اندکی. قبل از سفر، پیش طلبکاران در بازار می‌رفتم و حلیت می‌طلبیدم و علاقه داشتم به پیاده زیارت کردن. گرچه ابتدا دشوار می‌پنداشتم، ولی در اثر تجربه، دریافتم که آسان است. جماعتی هم از اهل «جبل عامل» و نجف و دیگران به دنبال من می‌آمدند و پیروی می‌کردند. چندین بار پیاده به زیارت کربلا رفتم.^۴

زیارت میلیونی

در ایام اربعین در عراق، میلیون‌ها نفر، با مواکب حسینی برای زیارت قبر مطهر وارد کربلا می‌شوند و اجتماع عظیم محبت‌آمیز، مشتمل بر تعارفات مهرانگیز و اتحاد آور و مودت خیز، فراهم می‌آید و آن شهرستان مقدس، یکپارچه عزا و ناله و ضججه و نوحه و ندبه بر سید مظلومان می‌گردد و مواکب، از حرم حضرت سیدالشهدا علیه السلام خارج شده، به حرم حضرت ابوالفضل قمر بنی‌هاشم علیه السلام هجوم می‌آورند و در آن روز، اثرات نهضت حسینی در جلوی چشم انسان مجسم می‌شود.^۵

اربعین حدیث

شیخ آقابزرگ تهرانی می نویسد:

سنت مؤکد و حدیث قطعی و متواتر از پیامبر خدا ﷺ است که: «مَنْ حَفِظَ عَلٰی اَرْبَعِيْنَ حَدِيْثًا...» و علمای شیعه در کتب خود، متن این حدیث را با سندهای مختلف نقل کرده‌اند. از این رو سیره عالمان بر این جاری شده است که کتاب‌هایی با عنوان «الاربعون حدیثاً» تدوین کنند. در فارسی هم کتاب‌هایی با عنوان «چهل حدیث» تألیف شده است.^۶

سپس حدود ۸۰ کتاب را که همه عنوان «الاربعون حدیثاً» دارند، معرفی می‌کند. این چهل حدیث‌ها اغلب در موضوعات اخلاقی، فضایل، مناقب امیر مؤمنان علیه السلام، بحث‌های تاریخی و اعتقادی است. برخی تنها متن چهل حدیث است، ولی اغلب همراه با شرح و تفسیر است. یکی از آنها «الاربعون حدیثاً من الاربعین عن الاربعین» در فضایل امیر مؤمنان علیه السلام است که چهل حدیث از چهل شیخ، از چهل صحابی، از چهل کتاب نقل کرده که همه در مناقب حضرت علی علیه السلام است؛ تألیف شیخ امام منتجب‌الدین.^۷

بزرگداشت عاشورا و اربعین

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

این روزهای بزرگ را بزرگ شمارید و اربعین‌ها را، عاشوراها را و امثال این‌ها را بزرگ بشمارید. اسلام این قدر برای اجتماع و برای وحدت کلمه تبلیغ کرده است و هم عمل کرده است. یعنی روزهایی را پیش آورده است که با خود این روزها و انگیزه این روزها تحکیم وحدت می‌شود؛ مثل عاشورا و اربعین.^۸

شیخ آقابزرگ تهرانی می‌نویسد: سنت مؤکد و حدیث قطعی و متواتر از پیامبر خدا ﷺ است که: «مَنْ حَفِظَ عَلٰی اَرْبَعِيْنَ حَدِيْثًا...» و علمای شیعه در کتب خود، متن این حدیث را با سندهای مختلف نقل کرده‌اند. از این رو سیره عالمان بر این جاری شده است که کتاب‌هایی با عنوان «اربعون حدیثاً» تدوین کنند.

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: این روزهای بزرگ را بزرگ بشمارید و اربعین‌ها را، عاشوراها را و امثال این‌ها را بزرگ بشمارید. اسلام این قدر برای اجتماع و برای وحدت کلمه تبلیغ کرده است و هم عمل کرده است.

زیارت جابر

گزارش‌های بسیاری حاکی از حضور جابر بن عبدالله انصاری در کربلا در نخستین اربعین شهدا در سال ۶۱ هجری وارد شده است. برخی در این گزارش‌ها تردید کرده و گفته‌اند: با توجه به امکانات آن دوران، سفر از مدینه تا کربلا، پس از دریافت خبر واقعه کربلا، بیش از چهل روز طول می‌کشیده است. از این رو جابر نمی‌توانسته در اولین اربعین، خود را به کربلا رسانده باشد.

در پاسخ به این تردید می‌توان گفت: اولاً از کجا ثابت شده که جابر، هنگام واقعه عاشورا در مدینه بوده است؟ شاید وی آن هنگام، مدینه را به سوی کوفه ترک کرده بوده است. ثانیاً می‌توان گفت که امکان دریافت خبر شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش تا ده روز پس از واقعه عاشورا وجود دارد و جابر می‌توانسته در مدت باقی مانده تا اربعین، خود را به کربلا برساند.^۹

الحاق سر مطهر

ابوریحان بیرونی (م ۴۴۰ ق) می‌نویسد:

روز بیستم ماه صفر (اربعین) سر حسین بن علی علیه السلام به بدنش ملحق شد و در همان مکان دفن گردید. زیارت اربعین نیز در این روز بوده است و آنان چهل نفر از اهل بیت او بودند که پس از بازگشت از شام، قبر امام را زیارت کردند.^{۱۰}

چهل راهب شهید

در لغتنامه دهخدا درباره واژه «اربعین» آمده است:

اربعین، کوهی است در جنوب «ادلب» از اعمال حلب، دارای هوای نیک و آب‌های عذب و منتزهات خرم و چهل دیر در آن است و موقع آن در «وادی اللّجاة» است و وجه تسمیه آن به اربعین از این جهت است که چهل راهب را که آنجا بودند بکشتند و گویند به مناسبت آن که چهل ناسک را در ناحیه جبل سینا در اواخر قرن چهارم میلادی بکشتند، آنجا را اربعین خواندند.^{۱۱}

سنت اربعین

شهید قاضی طباطبائی در کتاب خود می‌نویسد:

بکاء آسمان و زمین و ملائکه و آفتاب بر سیدالشهدا علیهم السلام تا چهل روز؛ طریق و عادتسی را که در میان مردم یک حال استمراری پیدا کرده و بر سید مظلومان «اربعین» نگاه می‌دارند، نشان می‌دهد. حتی در میان مردم در زمان فوت کسان خودشان نیز این رویه معمول شده و این سیره مستمره را انجام می‌دهند و احترام آنها را که از دنیا رفته‌اند، نگاه می‌دارند و شیعه تا اربعین آن حضرت از شادی و خشنودی خودداری می‌کنند. حتی در غیرمسلمانان نیز این عادت در مرده‌هایشان مراعات می‌شود؛ خصوصاً که از بزرگان آن قوم باشد و کسی باشد که آثار علمی و نتایج قدمی را که در راه رفاه و آسایش دینی و دنیوی آنان برداشته باشد و در اصلاح جامعه، از جان گذشتگی نشان داده باشد.^{۱۱}

کیفیت زیارت جابر

عطا (عطیه عوفی) که همسفر جابر بن عبدالله در روز بیستم ماه صفر بوده است، می‌گوید: چون به غاصریه رسیدیم، جابر در آب فرات غسل کرد و پیراهن طاهری که با خود داشت پوشید. پس گفت: آیا با تو چیزی از بوی خوش هست ای عطا؟ گفتم: با من سعد هست. پس مدتی از آن سعد گرفت و بر سر و بدن پاشید و با پای برهنه روانه شد. تا ایستاد نزد سر مبارک حضرت امام حسین علیه السلام و سه مرتبه «الله اکبر» گفت؛ پس افتاده، بیهوش شد و چون به هوش آمد، شنیدم که گفت: «السلام علیک یا آل الله...» تا آخر.

پس خم شد و دو طرف روی خود را بر قبر مقدس مالید و چهار رکعت نماز کرد؛ پس آمد به نزد قبر علی بن الحسین علیه السلام و گفت: «السلام علیک یا مولای و ابن مولای...»؛

اربعین، کوهی است در جنوب «دلب» از اعمال حلب، دارای هوای نیک و آب‌های عذب و متنزهات خرم و چهل دیر در آن است و موقع آن در «وادی اللجاة» است و وجه تسمیه آن به اربعین از این جهت است که چهل راهب را که آنجا بودند بکشیدند.

پس قبر را بوسید و دو رکعت نماز کرد و رو به جانب قبر شهدا کرد و گفت: «السلام علی الارواح المنيحة بقبر ابي عبدالله...» تا آخر. پس آمد نزد قبر حضرت عباس علیه السلام و ایستاد نزد قبر و گفت: «السلام علیک یا ابالقاسم...»؛ پس دو رکعت نماز کرد و خدا را خواند برای حاجت‌های خود و باز گشت.^{۱۳}

یک اربعین گریه آسمان

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: آسمان بر حسین بن علی علیه السلام و بر حضرت یحیی بن زکریا گریست و بر احدی جز این دو نگریسته است. راوی (عبدالله بن هلال) از امام پرسید: گریه آسمان بر این دو شهید چگونه بود؟ امام فرمود: مردم چهل روز دیدند که طلوع و غروب خورشید، سرخ و خون‌رنگ است. پرسید: آیا گریه آسمان همین است؟ فرمود: آری. در حدیث دیگری امام باقر علیه السلام فرمود: پس از یحیی بن زکریا آسمان بر کسی جز حسین بن علی علیه السلام نگریسته است. آسمان چهل روز بر آن حضرت گریست.^{۱۴}

چهل روز گریه آدم علیه السلام

وقتی هابیل و قابیل به قربانگاه رفتند و قابیل، هابیل را کشت، نزد پدر آمد. حضرت آدم پرسید: هابیل کو؟ گفت: مگر او را به من سپرده بودی؟ آدم گفت: مرا به محل قربانی ببر، و حس کرد که قابیل او را کشته باشد. وقتی به آن‌جا رسیدند، دریافت که هابیل به دست قابیل کشته شده؛ پس آدم از آن‌جا بزگشت و چهل شبانه‌روز بر هابیل گریه کرد.^{۱۵}

چله‌نشینی

اربعین، عبادت است از چله‌نشینی، اعتکاف و انزوای چهل روزه، که از رسم‌های سلوک صوفیانه است. شمس‌الدین آملی می‌نویسد: «متصوفه سالک را در مبدأ به خلوت فرموده‌اند، تا در کوره خلوت، نفس او به آتش ریاضت گداخته شود، از آرایش طبیعت صافی گردد». و تعیین آن به اربعین، مستفاد است از آنچه رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «من أخلص لله اربعین صباحاً ظهرت له ینایع الحکمة من قلبه علی لسانه»؛ کسی که چهل روز خالصانه عبادت و اعتکاف کند، چشمه‌های حکمت از دلش بر زبانش جاری می‌گردد. از کلام الهی در بیان میقات و تبئیل و انقطاع موسی علیه السلام با حق سبحانه و تعالی، آن‌جا که فرمودند: ﴿وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً

وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فَنَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً؛^{۱۵} و وعده گذاردیم با موسی به سی شب، و سپس ده شب دیگر بر آن افزودیم، تا میقات او با خدا چهل شب کامل شد. (اعراف، آیه ۱۴۲).
که ای صوفی شراب آنکه شود صاف که در شیشه بماند اربعینی^{۱۶}

اربعین و انقلاب

در تاریخ انقلاب اسلامی، سنت احیای اربعین، تأثیر شگرفی در گسترش شور انقلابی در شهرها داشت. در چهلم شهدای حادثه قم (قیام مردم در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۵۶ ش) مردم مسلمان تبریز قیام کردند و شهید دادند. در اربعین شهدای تبریز، مردم شهرهای دیگر مجلس یادبود گرفته، تظاهرات کردند و همین گونه اربعین ها به هم وصل شد و سراسر ایران به نهضت پیوست؛ تا آن که انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. این به برکت الهام گرفتن از فرهنگ شهادت و ایثار خون بود که ملت قهرمان ایران، از عاشورا فرا گرفته بود. «اربعین» تداوم «عاشورا» بود و «ذکر»، رسالت بازماندگان پس از خون و شهادت.^{۱۷}

پی نوشت‌ها:

- ۱ . محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۳۴.
- ۲ . سید بن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۲۲۵.
- ۳ . ره‌توشه راهیان نور، ۱۳۸۰ ش.
- ۴ . سیدمحسن‌آمین، اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۵۹.
- ۵ . سیدجواد شبّر، ادب الطّف، ج ۱، ص ۴۱.
- ۶ . شیخ آقابزرگ تهرانی، الذریعه إلى تصانیف الشیعه، ج ۱، ص ۴۰۹.
- ۷ . همان، ص ۴۳۳.
- ۸ . صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۶۶ و ۲۶۲.
- ۹ . محمد محمدی ری‌شهری، شهادت‌نامه، ص ۸۳۹.
- ۱۰ . ابوریحان بیرونی، الآثار الباقیه، ص ۳۳۱ (به نقل از مقتل جامع سیدالشهدا علیه السلام).
- ۱۱ . لغت‌نامه دهخدا، واژه «اربعین».
- ۱۲ . سید محمدعلی قاضی طباطبایی، تحقیق درباره اولین اربعین سیدالشهدا علیه السلام، ص ۲۵۶.
- ۱۳ . محمدباقر مجلسی، تحفة الزائر، مؤسسه الهادی، ص ۴۵۸.
- ۱۴ . بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۱۰ و ۲۱۱.
- ۱۵ . همان، ج ۱۱، ص ۲۳۰.
- ۱۶ . بهاء‌الدین خرّمشاهی، حافظ‌نامه، ج ۲، ص ۱۲۲۶.
- ۱۷ . جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۴۶.